سلسله دفاع از یاران پیامبر ﷺ

انتشار «۲»

دفاع از ابوهریره رضی الله عنه

[درجواب پیروان عبدالله بن سبأ ومستشرقین]



براساس منابع اهل سنت

نویسنده: ابوشاکر مسلم



بسم الله الرحمن الرحیم

*مثال کسانیکه به سیدنا ابوهریره رضی الله عنه زبان درازی میکنند:

مثل اینکه: طرف آسمان تف کنند ، ودوباره تف ایشان بر دهن شان بی افتد

این کتاب را تقدیم مینمایم به دوستداران یاران باوفای رسول الله ﷺ



عناوین فهرست مطالب صفحه

مقدمه

الحمـد الله والصـلاة والسـلام علـی رسـول الله صـلی الله علیـه وسـلم وبعـد: کتـابی را کـه در دسـت داریـد در دفـاع از صـحابی گرانقـدر*ابوهریره رضـی الله عنـه* نوشـته شـده اسـت ، در مـورد ایـن صـحابی گرانقـدر کتابهـای بـی شمـاری نوشـته شـده واین رسـاله ی کوچـک خلاصـه ی از آنها بـوده اسـت ، اگـر چـه برای شـخص مسلمان که اسمی از یاران رسول الله صلی الله علیه وسلم برسد باید فوراً باادب کامل وتام رضی الله عنه گفته واز آنها سپاس گذار باشد ، ولی عـده ی جاهـل وحسـد گـر کـه بوئی از علـم نـبرده انـد ومیخواهنـد بینـی خمیری برای مستشرقین وروافض بسازند بـالای صـحابی گرانقـدر*ابوهریره* زبـان درازی میکنند ، اگرچه شخصیت ابوهریره برای جهان اسلام نمایان است ، ولی من جهت جواب دادن برای مستشرقین بازهم کوشش خویش را نموده ام که دفاع وی را که علماء گذشته نموده بودند وبنده شاگرد علماء دفاع آنها را تازه نموده وجوابی داده باشـم برای مخالفین سیدنا ابوهریره ، واز الله سبحانه وتعالی طلب رضایش را به سبب نوشتن این رساله مینمایم.

ومن الله التوفیق ابوشاکرمسلم/افغانستان

احادیث روایت شده ازابوهریره رضی الله عنه درکتب احادیث

شماره	نام کتاب	تعداد احادیث
۱	صحیح البخاری	۹۳بدون مکرر
۲	صحیح مسلم	۱۹۰بدون مکرر
۳	سنن ابی داود	۵۰۵ مکرر
٤	سنن ترمذی	۹۰۸ مکرر
٥	سنن نسائی	۵۲۵مکرر
٦	سنن ابن ماجه	٦۰٦ مکر
۷	مسنداحمد	۳۸٤۸ بدون مکرر
۸	موطا	۲۲۱۸مکرر
۹	مستدرک	۵۵٤مکرر
۱۰	سنن الکبری	۱۷۵۸مکرر
۱۱	کنزالعمال	۳۰۷۸مکرر
۱۲	ریاض الصالیحن	۲۹۵ بدون مکرر
۱۳	صحیح ابن خزیمه	۳۷۹ بدون مکرر

مجموعاً بدون مکرر روایات ابوهریره رضی الله عنه[۵۳۷٤]

نتیجه: این همه کتب حدیث ازابوهریره حدیث روایت کرده اند بدون اینکه بر ابوهریره طعنه بزنند ، ویاعیبی از او بگیرند[مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ]

معرفی ابوهریره رضی الله عنه

ابوهریره رضی الله عنه را همه میشناسند واز سیرت وسلوک او بهتر خبر هستند ، شیخ بزرگوارم*شیخ علامه سردار ولی ثاقب حفظه الله* CD دارد که چند بخش است از ٨-صبح الی ١٢- ظهر چند روز در موردسیرت ابوهریره سخنرانی نموده است_به یوتوب مراجعه کنید_

- لیکن به نوبه ی خود من نیز صحابی بزرگوار را معرفی مختصر مینمایم:

» او عبدالرحمن بن صخر از فرزندان ثعلبه بن سلیم بن فهم بن غنم بن دوس یمانی است ، از قبیله دوس بن عدنان بن عبدالله بن مالک بن نصر و او سنوءه بن ازد است ، ازد از بزرگترین و معروف ترین قبیله های عرب است ، که به ازد بن غوث بن نبت بن مالک بن کهلان از عرب های قحطانی منسوب است.

دفاع الله جل جلاله از ابوهریره رضی الله عنه ورفقایش

الله جل جلاله در آیات زیادی اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم (که ابوهریره فقیه ومفتی آنها بود) در قرآن ذکر نموده که به چندی آن اشاره میکنم[سوره آل عمران آیه ١٥٩ ، سوره انفال آیه ٦٢ ، سوره انفال آیه ٦٣ ،

سوره انفال آیه ٦٤ ، سوره انفال آیه ۷۲ ، سوره توبه آیه ۱۰۰ ، سوره توبه آیه ۱۷۷ ، سوره توبه آیه ۱۱۸ ، سوره توبه آیه ۱۰۳ ، سوره نور آیه ۲٦ ، سوره احزاب آیه٦ ، سوره احزاب ۵۳ ، سوره فتح ، آیه ۱۸ ، سوره فتح آیه ۲۹ ، سوره حشر آیه ۸-۹-۱۰.]

» ازجمله آیاتی که شامل همه اصحاب است (ازابوهریره شروع تا آخرین صحابه) آیه ۲۹ سوره فتح است {مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ }(محمد فرستاده ی الله است ، وکسانی که با اوهستند در برابر کافران تند وسرسخت ونسبت به یکدیگر مهربان ودلسوزند).

واز جمله آیاتی که در آخر نازل شده است این آیه میباشد:{لقدتاب الله على النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالأَنصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِن بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ}التوبه: ۱۱۷(مسلما الله رحمت خود را شامل حال پیامبر ومهاجران وانصار ، که در زمان عسرت وشدت (درجنگ تبوک) از او پیروی کردند ، نمود ؛ بعد از آنکه نزدیک بود دلهای گروهی از آنها ، از حق منحرف شود (وازمیدان جنگ بازگردند) ؛ سپس الله توبه آنها را پذیرفت ، که اونسبت به آنان مهربان ورحیم ، است.

پس ابوهریره یکی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم است که پاداش صحابی بودن به او میرسد وهمان عدالتی که قرآن برای اصحاب بیان داشته است شامل او نیز میشود . و او افتخار پذیرفتن دعوت وهجرت کردن به سوی الله وپیامبر صلی الله علیه وسلم را داراست چون او قبل ازفتح مکه هجرت نمود ، وهمچنین زیر پرچم رسول الله صلی الله علیه وسلم جهاد کرد وپاداش جهاد را نیز دریافته است ، وهمچنین به خاطر حفظ حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم ورساندن آن به دیگران مستحق پاداش است.

(۱)دفاع رسول الله صلی الله علیه وسلم از ابوهریره رضی الله عنه

ابوهریره رضی الله عنه میگوید: برای من رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت از کدام قبیله هستی؟ درجواب فرمودم: از قبیله دوس هستم، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: در مردم دوس هیچ بهتری از (تورا) ندیدم_سیراعلام النبلاءج۳ص۵۱۵_.

*جالب است*کسی راکه خود رهبر شریعت وسخنگوئی اسلام تعدیل کرده واز آن به خوبی یاد میکند ، عده ی که قول شان مثل بول شان است ابوهریره فقهی ومحدث وحافظ را با علم (چند ثانیه ای) خویش جرح میکنند.

(٢) دفاع رسول الله صلى الله عليه وسلم از ابوهريره رضى الله عنه

رسول الله صلى الله عليه وسلم از امت خويش دفاع ميكند ، وضربه محكمى بر مرتدين ورافضه ومستشرقين ميزند ، رسول الله صلى الله عليه وسلم از كسى دفاع ميكند كه وى را الله دفاع كرده است وآن كسى نيست جزء ابوهريره يمنى رضى الله عنه.

عن أبي سعيد الخدري رضى الله عنه: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: " أبو هريرة وعاء من العلم " حديث صحيح.ــسير اعلام النبلاءــ

رسول الله صلى الله عليه وسلم درمورد ابوهريره رضى الله عنه ميگويد: ابوهريره ظرفى از علم است.

» كسى را كه رهبر شريعت اسلام (محمدصلى الله عليه وسلم) تعديل كرده ووى را ظرفى از علم بگويد پس براى كسى كه زره ى از ايمان واسلام در وجود او باشد زبان درازى نكرده ودر ميان تمام صحابه كرام اهميتى خاصى به (ابوهريره رضى الله عنه) قائل ميباشد ، واين براى كسيكه از اسلام بوى برده باشد وروزى مكتب اسلام را مورد مطالعه قرار داده باشد.

دیدگاه مسلمانان درمورد ابوهریره رضی الله عنه

مسلمانان دیدگاهی ندارند در مورد ابوهریره مگر اینکه ابوهریره [: امام فقهی ، مجتهد ، حافظ ، صحابی رسول الله صلی الله علیه وسلم ابوهریره دوسی "یمنی" سردار حفاظ وثابت قدم (درعلم حدیث ودین) بوده واحترام آن بالای زن ومرد مسلمان واجب بوده است]

رسول الله صلی الله علیه وسلم درمورد ابوهریره فرمود: ابوهریره ظرفی از علم است.

ونیز رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: سوگند به کسیکه جان محمد صلی الله علیه وسلم در دست اوست از آنجا که به شدت به علم علاقمندهستی می دانستم که تو از اولین کسی از امت من هستی که مرا در مورد آن میپرسی_مسنداحمدج۱ص۲۰۸.

اعمش میگوید: ابوهریره حافظ ترین صحابه بود.

سعید بن الحسن میگوید: هیچ کسی از یاران رسول الله صلی الله علیه وسلم به اعتبار کثرت روایت حدیث مقدم تر بالای ابوهریره نبوده اند.

امام شافعی میگوید: ابوهریره حافظ ترین فرد در روایت حدیث در زمانش بوده است.

عبدالله بن شقیق میگوید: که ابوهریره رضی الله عنه فرمود:هیچ کسی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم حافظ تر نسبت به خود ندیدم.

سفیان بن عیینه میگوید:ازوهب بن منبه از برادر همام روایت است که فرمودند شندیم ازابوهریره که میگفت: هیچ کسی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم به اعتبار زیاد روایت حدیث از من نبوده._سیراعلام النبلاءج۳ص۵۳۳.

ابن علان میگوید: ابوهریره رضی الله عنه از حافظ ترین صحابه بود_دلیل الفالحین ج۳ص۴۱_

امام بخاری میگوید: او(ابوهریره) در روزگار خودش ازهمه کسانی که حدیث را روایت می کردند حافظه ی قوی تری داشته است._تهذیب التهذیب ج۱۲ص۲۶۵_.

امام ذهبی میگوید: ابوهریره درحفظ احادیثی که از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده بود ودر روایات آن باهمان کلمات در رأس همه قرار داشت._سیراعلام النبلاءج٢ص٤٤٥_

وهمچنین میگوید: ابوهریره در علم قرآن وسنت وفقه در رأس همه قرار دارد.

*وپدر بزرگوارم شیخ عبدالقدوس "حکیمی" حفظه الله * درس تفسیر سوره توبه فرمود: اگر جستجو کنیم کسی که با ابوهریره ودیگر یاران رسول الله صلی الله علیه وسلم دشمنی دارند همه این دشمنی از "حسد" است ، واین سنت الهی است کسی را که الله جل جلاله علم فروان دهد باوی مردم عداوت میکنند که مثل با ابوهریره ، امام بخاری ، امام نسائی نیز حسد کردند ولی حسد کننده خسر الدنیا والاخره شد ولی این محدثان در دنیا وآخرت مایه خوشبختی مسلمانان وخوشبختی خود شدند.

چرا با ابوهریره دشمنی دارند؟

[قال احد العلماء: الحسود لا یسود _أسنی المطالب ص۹۷_]

ابوهریره صحابی گرانقدر ، راوی اسلام ، حافظ سنت نبوی ، وکسی است که درمیان اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم بیشترین احادیث را حفظ کرده است ، به همین خاطر کینه توزانی که دنباله رو افکار مستشرقین شدند از این امر سوء استفاده کردند ونسبت به مرویات ابوهریره شک ایجاد کردند واز شخصیت ایشان ؛ که در طول قرون وتا قیامت در نزد کسانی که جایگاه صحابه رسول الله صلی الله علیه وسلم را در قرآن وسنت به خاطر اخلاص وایمان وجهاد وصدقشان شناخته اند ، برجسته بوده است ؛ بدگوئی کردند...

وچون این کینه توزان خواستند به سنت شریف نبوی ضربه بزنند ، نیش خود را متوجه این صحابی جلیل القدر ساختند ، چرا که او بیشترین روایت کننده از رسول الله است. ازهمین جهت است که *شیخ ابومحمد امین الله* فک الله اسره میگوید: هرکس حسد کند همانند ابلیس که در آسمان حسد کرد وپسر آدم که در زمین حسد کرد تا روز قیامت لعنت کرده میشود ودر آخرت جای ملعونان درجهنم است.

بر طبق اتفاق علمای بزرگوار اسلام، دو کتاب صحیح بخاری و مسلم بعد از قرآن و کلام الله، صحیح ترین کتاب بر روی زمین هستند، زیرا آن دو کتاب محتوی احادیث صحیح پیامبر صلی الله علیه وسلم هستند، و امت بر صحت آن کتاب اتفاق نظر دارند.

البته بعضی از علما مانند امام دارقطنی بر برخی از احادیث آن کتابها ایراد وارد کرده اند، و حدود ٢١٠ حدیث را از مجموع کل احادیث بخاری و مسلم مورد تشکیک و انتقاد قرار داده اند.

اما احادیث مورد انتقاد بخاری، از لحاظ سند مورد انتقاد واقع شده اند و گفته اند که بعضی از اسناد این احادیث متصل نیست، اما احادیث مورد انتقاد بخاری قابل قبولند، چرا؟ چون دیگر علما از جمله شارح آن یعنی حافظ ابن حجر رحمه الله تمامی اسناد متصل آن احادیث را از کتابهای دیگر حدیثی یافته است و بدین ترتیب مشکل احادیث مورد انتقاد بخاری حل شدند.

اما احادیث مورد انتقاد مسلم دو نوع هستند: هم از جهت سند و بعضی فقط از جهت متن مورد انتقادند، بنابراین حکم در مورد احادیث مورد انتقاد مسلم اینگونه است: اصل بر اینست که احادیث مسلم صحیح هستند مگر آنکه

کسی دلیل بیاورد (البته فقط در مورد آن تعداد حدیث مورد منازعه) زیرا بقیه همگی صحیح و سالمند هم از لحاظ سند و هم متن..

حال دشمنان سنت و کسانی که بر راه بدعت و خرافات قرار گرفته اند، هنگامی که به احادیث بخاری و مسلم نگاه می کنند، می بینند که اکثر احادیث موجود در این دو کتاب بر ضد منهج فاسد آنها می باشد و عقیده ی پلید آنها را مورد نقادی قرار می دهد، از اینرو اهل بدعت و خصوصا روافض کینه ی زیادی بر علیه این دو کتاب و راویان احادیث آنها در دل دارند، آنها خوب می دانند که احادیث بخاری و مسلم آنقدر از لحاظ سند محکم هستند که توانایی مبارزه ی علمی با آن احادیث را ندارند، پس چگونه می توانند احادیث آن دو کتاب را نامعتبر جلوه بدهند؟ زیرا آنها قصد دارند تا احادیثی که مخالف بدعت و خرافات آنهاست ضعیف و بی اعتبار شوند تا خود و منهجشان را در دایره ی امنی قرار دهند که با کتاب و سنت مخالفتی نداشته باشد، پس یکی از راههای رسیدن به این هدف پلید اینست که کتاب و سنت صحیح را مورد طعن قرار دهند، و لذا می بینیم که معتقد هستند که قرآن تحریف شده است و قرآن واقعی نزد امام زمانشان است!!

از آن طرف احادیث صحیح بخاری و مسلم را نشانه گرفته اند و قصد دارند آن دو کتاب را از اعتبار ساقط کنند، و خوب می دانند که برای رسیدن به این هدف نمی توانند سند احادیث آن دو کتاب را مورد هجوم قرار دهند، پس مشکل چگونه حل می شود؟؟!

آری، راه دیگر برای بی اعتبار کردن این دو کتاب اینست که:

با دروغ سازی و شایعه پراکنی در بین مردمانی که از این مباحث سر در نمی آورند، راویان احادیث بخاری و مسلم را نشانه می گیرند و آنها را بگونه ای معرفی می کنند که نزد مخاطبان زشت و منفور و کذاب و دروغگو جلوه شوند! پس اگر بتوانند با شایعه پراکنی راویان بخاری و مسلم را منفور کنند، تا حدودی در بین طبقه ی ناآگاه در مسائل شرعی به هدف فاسدشان خواهند رسید، بدین ترتیب هرگاه آن مردم بیچاره حدیثی را از یکی از راویان بخاری و مسلم شنیدند، همان اتهام وارد شده از طرف دشمنان بخاری و مسلم را بیاد می آورند و لذا به احادیث بخاری و مسلم توجه نمی کنند!!

آری، این حربه ی ننگینی است که فقط از عهده ی مبتدعان و خرافیون بر می آید، زیرا آنها از دروغ و اتهام واهمه ای ندارند و حتی دروغ و افترا را در مواقعی واجب دانسته و بمانند عبادت بدان می نگرند.

می دانیم که ابوهریره رضی الله عنه یکی از شاگردان تیزهوش علاقمند به یادگیری از پیامبر صلی الله علیه وسلم بود، و ابوهریره رضی الله عنه از جمله کسانی بود که احادیث زیادی را از رسول خدا صلی الله علیه وسلم برای مردم و تابعین بازگو کرده است، زیرا او ذهن تیز و حافظه ای قوی داشت و مدام همدم رسول خدا صلی الله علیه وسلم بود تا از ایشان بیاموزند، و بر اساس گفته ی علما حدود (۵۳۷٤) حدیث از ابوهریره رضی الله عنه ثابت شده است.

همچنین ابوهریره رضی الله عنه یکی از راویان کتاب بخاری و مسلم است، و همانطور که سابقا گفتیم اهل بدعت برای خدشه دار کردن احادیث بخاری و مسلم به راویان احادیث کتاب آنها یورش بردند و با افترا و کذب و شایعه پراکنی کوشیدند تا آن راویان را منفور و دروغگو معرفی کنند، تا از احادیث آن دو کتاب که مخالف با منهج فاسدشان است در امان بمانند.

یکی از این قربانیان، ابوهریره رضی الله عنه بود، آری، اهل بدعت با اتهام و دروغسازی و بهتان و گاهی با قیچی کاری و اقوال شاذ و بی اساس، این شخصیت برجسته را مورد هجوم خود قرار داده اند، تا وی را زشت و منفور کنند و از (٥٣٧٤) حدیث راویت شده توسط ابوهریره خلاص شوند! یعنی با تخریب شخصیت یکی از صحابه های پیامبر صلی الله علیه وسلم براحتی موفق می شوند تا (٥٣٧٤) حدیث را از سر راه خود بردارند!

[آری این عمل] شبهه‌افکنی پوچی است که می‌خواهند به وسیله‌ی آن در صحت همه‌ی احادیث روایت شده، تشکیک ایجاد کنند. و البته اینگونه افتراها از سوی کینه توزان و غرض ورزان نسبت به اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وسلم ، عجیب نیست و تازگی ندارد، اگر آنها به خود جرئت می دهند و به امهات المومنین عایشه رضی الله عنها اتهام می زنند، همانکسی که همدم و همسر فداکار پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم بود و همانکسی که خداوند متعال چندین آیه را در تبرئه و حمایت از وی نازل فرمود، و به همگان هشدار داد که به زنان پاکدامن اتهام وارد نکنند، ولی باز این کینه توزان از هشدارهای خدا نیز هراس نداشتند و به ایشان اتهام وارد می کنند، آری، اگر آنها بدون توجه به هشدارهای خداوند متعال با کمال جرئت به ام المومنین عیشه رضی الله عنه

اتهام می زنند، چطور به ابوهریره رضی الله عنه اتهام وارد نمی کنند که آیه ای در باره ی وی نازل نشده؟!!

ولی متاسفانه بعضی از مردم که آگاهی لازم بر بر مباحث علم روایت و علم جرح و تعدیل و علم رجال ندارند، لذا فریب این افتراها را می خورند و طعمه ی مناسبی برای دشمنان ابوهریره هستند.

در حقیق کسانی که به صحابی رسول خدا صلی الله علیه وسلم ، یعنی ابوهریره رضی الله عنه اتهام دروغگویی می زنند، خود کذاب و دروغگو هستند! آیا می توان ادعا و سخن یک دروغگو را پذیرفت که به شخصی اتهام دروغگویی می زند؟!

مثل اینکه شخصی دروغگو بگوید: فلانی دروغگو است!!

آیا انسان عاقل سخن و ادعای دروغگو را قبول می کند؟!

خداوند متعال می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ » (حجرات ٦).

یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید.

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: ای رسول خدا! بسیاری از سخنانی را که از شما می شنوم، فراموش می کنم. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «چادرت را پهن کن». من چادرم را پهن کردم و ایشان دو مشت در آن گذاشت و سپس فرمود: «آنرا جمع کن». من آنرا جمع کردم. بعد از آن، چیزی را فراموش نکردم. بخاری (۱۱۹).

بنابراین به برکت دعا و فعل پیامبر صلی الله علیه و سلم، ابوهریره حفظش قوی بود و احادیث را فراموش نمیکرد، ولی اگر شما تأمل نمایید خواهید یافت که برکت (دعا و فعل) پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد ابوهریره رضی الله عنه در میان بقیه ی صحابه رضی الله عنهم اصابت نکرد، اما ابوهریره رضی الله عنه بر حفظ (علمی که از پیامبر صلی الله علیه وسلم یاد می گرفت) همت می کرد و بر آن حریص بود و از فراموشی خود نگران بود و قلبا شیفته ی یادگیری و آموزش و خواهان آموختن بود، از هر چیزی دست برداشته بود.. و برای خود

شغلی نداشت جز اینکه به حفظ علم از پیامبر صلی الله علیه وسلم مشغول بود، و به همین دلیل (آموختن) علم اولین خواسته برای او نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم بود چنانکه روزی که پیامبر صلی الله علیه وسلم به او گفت: (آیا از این غنایم از من سوال نمی کنی؟) ابوهریره گفت: از شما می خواهم آنچه را که خداوند به شما یاد داده به من یاد دهید...(الی آخر حدیث).

ابوهریره (رضی الله عنه) به حافظه‌ی خود بسیار اعتماد داشت و بدان تکیه می‌کرد. او اعتماد فراوانی به خود داشت و هیچ مانعی نمی‌دید که آشکارا و بی‌پروا بگوید من هیچ یک از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) را سراغ ندارم که بیشتر از من احادیث رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) را از حفظ داشته باشد.(ابن سعد ج ٤/ص۳۳۲ بسند صحیح)

این امر هم به این دلیل است که او زمان مصاحبت خود با رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) را به حفظ احادیث وی اختصاص داده بود و در این زمینه می‌گوید:"سه سال تمام رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) را مصاحبت کردم و طی این مدت هیچ چیز به اندازه‌ی حفظ احادیث از او برای من اهمیت نداشت."(بخاری ج ۱/ص۳۸)

در روایت دیگری می‌گوید:"من در هیچ سالی به مانند این سه سال که در خدمت رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) بودم، احادیث حفظ نمی‌کردم و آن‌چه را که رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) می‌گفت، فهم و درک می‌کردم."(مسند الحمیدی ج ٢/ص٤٥٥ بسند صحیح).

این حرص و تاکید از سوی ابوهریره برحفظ حدیث، از وی شخصیتی درست کرده بود که بنا به اظهار خودش، از سایر صحابه ـ به استثنای عبدالله پسر عمرو پسر عاص ـ بیشتر احادیث از حفظ داشت. او می‌گوید:"هیچ یک از یاران رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) بیشتر از من احادیث از حفظ نداشتند جز عبدالله پسر عمرو پسر عاص، زیرا او علاوه بر حفظ، احادیث را می‌نوشت، در حالی‌که من تنها حفظ می‌کردم و نمی‌نوشتم."(بخاری ج ١/ص٣٨)

مشهورترین دفاع ابوهریره از خویش روایتی است که ابوهریره در مواضع متعدد آن را ذکر کرده و می‌فرماید:"می‌گویند ابوهریره احادیث فراوان نقل می‌کند ـ و همه‌ی ما نزد خداوند موعدی داریم که درآن به نزد وی برمی‌گردیم و مورد محاسبه واقع می‌شویم و می‌گویند چرا مهاجرین و انصار مانند او احادیث فراوان نقل

نمی‌کنند؟ در پاسخ می‌گویم: برادران مهاجر در بازار مشغول کالاهای خویش بودند و برادران انصار هم مشغول باغداری و سرمایه‌های خود، اما من مردی فقیر و ندار بودم، همراه و ملازم رسول خدا، و در ملازمت با وی شکم خود را سیر می‌کردم و بدین وسیله در زمانی که آن‌ها غایب بودند، من حضور پیدا می‌کردم و آن‌چه را که آن‌ها فراموش می‌کردند من فهم می‌کردم."

در روایت امام احمد آمده است:"من مردی اعتکاف کننده[در مسجد] بودم و بیشتر از سایرین با رسول خدا مجالست داشتم، زیرا وقتی که آن‌ها غایب بودند من حاضر می‌شدم و آن‌گاه که دیگران فرموده‌های او را فراموش می‌کردند، من آن‌ها را حفظ و از بر می‌کردم."(مسند ج ۱۴/ص۱۲۲).

در روایت دیگری از بخاری آمده است:"همیشه ملازم پیغمبر می‌بودم تا از این طریق شکمم را سیر کنم، زمانی‌که از خوردن خمیر [نان پخته] و پوشیدن حریر و خدمت خدمتکار محروم بودم و جاریه‌ای به خدمت من نمی‌ایستاد و از فرط و شدت گرسنگی شکمم را به ریگ و شن می‌چسباندم و از این مرد و آن مرد که همراه من می‌بود، درخواست می‌کردم که آیه‌ای بر من تلاوت کند و هدفم

از این کار این بود که مرا با خود به منزل ببرد و طعامی به من بدهد."[شرایط و ظروف دیگران چنین نبود] بخاری ج ۷/ص۱۰۰

امام نووی در شرح مسلم قول ابوهریره "علی ملئ بطنی" را چنین تفسیر می‌کند: من ملازم و همراه او بودم و به قوت روزانه راضی می‌شدم و هیچ مالی برای ذخیره‌کردن و غیر آن جمع نمی‌کردم و بیشتر از قوت لایموت درخواست نمی‌کردم."

این بود شرایط و ظروف ابوهریره که هر منصفی ـ چه رسد به مومن ـ گواهی می‌دهد و اعتراف می‌نماید که این شرایط به وی کمک کرده تا خود را برای شنیدن احادیث و حفظ آن‌ها از هر عمل دیگری فارغ گرداند.

امام ذهبی درمورد ابوهریره رضی الله عنه میگوید

*امام ذهبی (که ابن کثیر درموردش میگوید: شیخ ،حافظ بزرگ،مؤرخ اسلام،شیخ محدثین،شمس الدین ابوعبدالله ذهبی میباشد) درمورد سیدنا ابوهریره رضی الله عنه میگوید: الامام الفقیه المجتهد الحافظ، صاحب رسول الله صلی الله علیه وسلم، أبو هريرة الدوسي اليماني ، سيد الحفاظ الاثبات. _سيراعلام النبلاء ج٣ص٥١٣.

یعنی: امام فقهی ، مجتهد ، حافظ ، صحابی رسول الله صلی الله علیه وسلم ابوهریره دوسی "یمنی" سردار حفاظ وثابت قدم (درعلم حدیث ودین)

کتب تاریخ یکه از ابوهریره دفاع کرده واز وی احادیث نقل میکنند

» علماء تاریخ در کتب خویش از ابوهریره شاگردخاص مکتب رسول الله صلی الله علیه وسلم دفاع کرده واز وی احادیث روایت کرده ، ونظریات وفتوای های وی را در عرصه های مختلف ذکرکرده اند که بعضی از آن کتاب تاریخ ، والسیر وهم بعضی از کتب حدیثی را (مشت نمونه خروار) ذکر خواهیم نمود ، تا به کور

دلان وحسودان ابوهریره نشان دهیم که مؤرخین افتخارانه وکتب خویش را از نام ابوهریره پر کرده وکتب خویش را توسط نام مبارک ابوهریره مزین ساخته اند.

[تاریخ الاسلام ٤/ ٣٤٧ ، طبقات ابن سعد: ٢ / ٣٦٢ - ٣٦٤ و ٤ / ٣٢٥ ٣٤١، طبقات خليفة: ١١٤، تاريخ خليفة: ٢٢٥، ٢٢٧، المعارف: ٢٧٧، ٢٧٨، ٢٨٥، تاريخ الفسوي: ١ / ٤٨٦ و ٣ / ١٦٠، ١٦١، ١٦٢، أخبار القضاة: ١ / ١١١، ١١٢، المستدرك: ٣ / ٥١٤ ٥٠٦، الاستبصار: ٢٩١، الاستيعاب: ٤ / ١٧٦٨، حلية الاولياء: ١ / ٣٨٥ ٣٧٦، ابن عساكر: ١٩ / ١٠٥ / ١، جامع الاصول: ٩ / ٩٥، أسد الغابة: ٦ / ٣١٨، تهذيب الكمال: ١٦٥٤، تاريخ إسلام: ٢ / ٣٣٣، ٣٣٩، العبر: ١ / ٦٣، معرفة القراء: ٤٠، البداية والنهاية: ٨ / ١٠٣، ١١٥، مجمع الزوائد: ٩ / ٣٦١، طبقات القراء: ١ / ٣٧١، ٣٧٢، تهذيب التهذيب: ١٢ / ٢٦٧ ٢٦٢، الاصابة: ١٢ / ٦٣، خلاصة تذهيب الكمال: ٤٦٢، شذرات الذهب: ١ / ٦٣.]

وغیره کتب تواریخ را در کتاب _سیراعلام النبلاء_ مطالعه نمایید.

چلنج ماست که بیارید از کتب تاریخ یکه سند درست داشته باشد که بر ابوهریره رضی الله عنه عیب گرفته باشند ویا اورا مثل شما چند جاهل متأثر از

غرب عیب بجوید ، این است کتب تاریخ ما مسلمانان ! پس بیارید کتب تاریخ سند متصل وصحیح را که بر ابوهریره طعنه زده وعیب اورا بجویند!!

توجه برای ما کتب روافض دلیل نیست که از کتب ایشان دلیل پیش کنید ! زیرا ما روافض را اهل اسلام نمیدانیم ، همانطوریکه امام ابن تیمیه فرموده است: روافض نادان ترین مردم در عقلیات وکذاب ترین مردم در نقلیات میباشند.

*زمانیکه ابن حزم در اسپانیه با یهود ونصاری مناظره نمود وابن حزم ثابت کرد که درکتاب های آنها تحریف صورت گرفته است آنها درجواب گفتند: که شیعه میگویند که در قرآن تحریف است ابن حزم درجواب گفت: دعوای شیعه در باره تحریف قرآن نه حجت شده میتواند ونه بر مسلمانان حجت شده میتواند زیرا که شیعه ها مسلمان نیستند الفصل فی الملل والنحل ج۲ص۷۸.

*بناءً مثل ما از تواریخ صحیح دلیل پیش کنید ، نه از کتب دروغین روافض .

قل هاتوا برهانکم ان کنتم الصادقین *من ذا یبارز فلیقدم نفسه *

ومن ذا یسابق فالبیداء بالمیدان

چرا ابوهریره رضی الله عنه زیاد روایت کرده است

ابوهریره دلائل این راکه چرا او زیاد حدیث روایت کرده است بیان میکرد ، ومیگفت: شما میگویید ابوهریره زیاد از رسول الله صلی الله علیه وسلم حدیث روایت میکند وحال آنکه میعاد حضور پیش الله است ، ومیگویند: چرا مهاجرین این احادیث را از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت نمی کنند ، باید بگویم ، که دوستان مهاجر من بازمین های خود مشغول بودند و من فردی فقیر ومستمند بودم که برای آن که شکم خود را سیر کنم همواره همراه پیامبر صلی الله علیه وسلم بودم ، وبا پیامبر زیاد همنشینی میکردم ، ودر اوقاتی که مهاجرین حضور نداشتن من در کنار پیامبر صلی الله علیه وسلم بودم ، وآنها فراموشی میکردند ومن به خاطر میسپردم وروزی رسول الله صلی الله علیه وسلم به ما گفت: چه کسی لباسش را هموار میکند تا احادیث خود را در آن بریزم وسپس آنرا جمع کند ، تا هیچگاه ازآنچه را ازمن میشنود فراموش نکند ، آنگاه پیامبر صلی الله علیه وسلم برایم حدیث گفت: ومن چادر(لباسم) را جمع کردم ، سوگند به الله من هیچ حدیثی را که از او می شنیدم فراموش نمی کردم.

ابوهریره رضی الله عنه می گفت: سوگند بر الله ، اگر این آیه در کتاب الله نمی بود ، من هیچ حدیثی را برای شما بیان نمی کردم وآنگاه این آیه را تلاوت میکرد{إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللاعِنُونَ} البقره: ۱۵۹(کسانیکه دلائل روشن ، ووسیله هدایتی را که نازل کرده ایم ، بعد از آن در کتاب برای مردم بیان نمودیم ، کتمان کنند ، الله آنها را لعنت میکند ؛ وهمه لعن کنندگان نیز ، آنها را لعن میکنند.

ابوهریره مردم را به نشر وگسترش علم ودروغ نسبت نداد ؛ بلکه به پیامبرالله جل جلاله دعوت میداد ، او در این مورد از پیامبر الله روایت میکرد که فرمود: «هرکس ازعلم ودانش پرسیده شود وآن را پنهان کرد روزقیامت لگامی از آتش بر دهان او زده خواهدشد»

و*همچنین* از پیامبر روایت میکرد که فرمود: هرکس از روی عمد بر من دروغ بندد خودش را برای آتش جهنم آماده کند».

اصحاب پیامبرشهادت می دادند که ابوهریره احادیث زیادی از پیامبرصلی الله علیه وسلم شنیده وفرا گرفته است ، واین شهادت ها هرنوع تردید وگمان در

مورد کثرت احادیث او ، را دفع میکنند ، وحتی برخی از اصحاب از ابوهریره رضی الله عنه حدیث روایت کرده اند چون ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه وسلم حدیث شنیده وآنها نشنیده اند ، از آن جمله اینکه مردی پیش طلحه بن عبیدالله آمد وگفت: ای ابامحمد آیا این یمنی(ابوهریره) از شما به حدیث پیامبر الله صلی الله علیه وسلم آگاه تر است؟ ما احادیثی از او می شنویم که از شما نمی شنویم ، یااینکه او چیزهایی به پیامبر صلی الله علیه وسلم نسبت میدهد که نگفته است؟ طلحه گفت: اما در مورد اینکه او احادیثی شنیده که ما نشنیده ایم شکی نیست ، چون ما خانه وگوسفند وکار داشتیم وصبح وشام پیش پیامبر صلی الله علیه وسلم می آمدیم ، و او مستمند ومهمان خانه پیامبر صلی الله علیه وسلم بود ودستش در دست پیامبر صلی الله علیه وسلم بود پس ما شک نداریم که او احادیثی شنیده که مانشنیده ایم وکسی که از پیامبرصلی الله علیه وسلم احادیثی روایت کند که نگفته است خیری در اونیست ، ودر روایتی دیگر گفت: ماهم مثل او این احادیث را شنیده ایم اما او حفظ کرد وما فراموش کردیم.

اشعث بن سلیم از پدرش روایت میکند که گفت: از *ابو ایوب انصاری* شنیدم که ابوهریره حدیث روایت میکرد به اوگفتند:تو همراه ویار پیامبر صلی الله

علیـه وسـلم هسـتی وآنگـاه حـدیث او را از ابـوهریره روایـت میکنـی ؟ ابوایـوب گفـت: ابوهریره چیزهـایی شـنیده که ما نشـنیده ایم واینکـه حـدیث پیامبرصـلی الله علیه وسلم را از او روایت کنم پسندیده تر است از آنکه ازخود پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت کنم- یعنی چیزی را که از او نشنیده ام از او روایت کنم.

*واز طرفی از آن جا که ابوهریره رضی الله عنه جرأت می کرد از پیامبر صلی الله علیه وسلم سوال کند این امر فرصت را برای او مهیا کرد تا بسیاری چیزها را بداند که یارانش از آن خبر نداشتند ، هراشکالی برای ابوهریره پیش می آید بی درنگ رسول الله صلی الله علیه وسلم را از آن میپرسید! درحالیکه دیگران چنین نمی کرد ، *ابی ابن کعب* میگوید: ابوهریره رضی الله عنه جرأت میکرد وپیامبر صلی الله علیه وسلم را ازچیزهایی میپرسید که ما ایشان صلی الله علیه وسلم را از آن نمی پرسیدیم.

وهمچین ابوهریره از اصحابی که پیش تر از او اسلام آورده بودند می پرسید و درطلب علم درنگ نمی کرد ، بلکه ابوهریره در زمان حیات رسول الله صلی الله علیه وسلم وبعد از وفات پیامبر صلی الله علیه وسلم همواره به دنبال علم ودانش بود.

وابوهريره از پيامبر صلى الله عليه وسلم روايت ميكند كه فرمود: كسى كه الله برايش اراده خير داشته باشد او را در دين فقيه وآگاه مى گرداند.

از اين رو ابوهريره خير را دوست مى داشت وبراى آن تلاش ميكرد ودر اين راه درنگ وتأخير از خود نشان نمى داد و او همراه پيامبر صلى الله عليه وسلم بود تا از پيامبر سخنى بياموزد وپندى بگيرد.

چرا به ابوهريره ، ابوهريره ميگوييم؟

*امام ذهبى ميگويد: كنيه ابوهريره مسمى شده است به اولاد پشک صحرائى كه خود ابوهريره رضى الله عنه فرموده است: پشكى را يافتم وآنرا در آستين خود گرفتم وبه آن مسمى شدم به "اباهريره" —سيراعلام النبلاء ج٣ص٥١٤_

مادر ابوهريره رضى الله عنه

» مادر ابوهريره رضى الله عنه مسلمان بود ، چون كه مسلمان بود پسر مسلمانى تربيه كرد ، و او را در مشقت ها توصيه به صبر ميداد.

» امام طبرانى ميگويد: نام مادر ابوهريره رضى الله عنه(مينونة بنت صبيح) رضى الله عنها بود. _سيراعلام النبلاءج٣ص٥١٤_.

ابوهریره رضی الله عنه چگونه مسلمان شد

» رسول الله صلی الله علیه وسلم برای هرکس دعا نمیکرد که مسلمان شود ، فقط برای افرادی با شخصیتی دعا میکرد که آنها برای اسلام خیری برسانند واسلام از آنها پیروز شود ونهایت برای مسلمانان افتخار بی افرینند همانند عمر بن الخطاب که یکی از کسانی بود که به دعای رسول الله صلی الله علیه وسلم مسلمان شده بود وبه اسلام ومسلمانان افتخار آفرید.

ابوهریره نیزیکی از کسانی بود که به دعای رسول الله صلی الله علیه وسلم مسلمان شده بود.

» امام نووی در_تهذیب السیرة النبویه صلی الله علیه وسلم صـ۲۷_ مینویسد: که یکی از معجزات رسول الله صلی الله علیه وسلم این بود که دعا کرد به ابوهریره جهت اسلام آوردن ، ودعای رسول الله صلی الله علیه وسلم در حق ابوهریره رضی الله عنه مستجاب شد وآن اسلام آورد وسپس غسل نمود وکلمه شهادتین را گفت [این واقعه درسال هفتم هجری در فاصله خیبر رخ داد وسن اش ۳۰ سال بود] _البرهان صـ۳۱_

تبصره حیرانم از عده ی جاهل یکه بخاطر خوش ساختن غرب ومستشرقین به ابوهریره طعنه میزند ، درحالیکه ابوهریره کسی بود که به دعای شخصی وخاص رسول الله صلی الله علیه وسلم مسلمان شده بود.

» نمیدانم چرا روافض با عمر رضی الله عنه که با دعای شخصی رسول الله صلی الله علیه وسلم مسلمان شده عداوت دارند ومستشرقین با ابوهریره که او نیز با دعای شخصی رسول الله صلی الله علیه وسلم مسلمان شده عداوت دارند (نمیدانم چی رمزی است که میخواهند مسلمانان را از مسلمانان خاص وصاحب رتبه ی دینی دور سازند) این هم از استعماری است که ولله الحمد مسلمانان آگاه شدند.

نتیجه میگیریم: که کسی که توسط دعای رسول الله صلی الله علیه وسلم مسلمان گردیده باشد ، ودر اسلام خیلی زحمات به خرچ داده باشد ، وی یک افتخار ونور چشم مسلمانان است وحسودان حسد میکنند که ما برای وی رضی الله عنه بگویم.

مدت زندگی ابوهریره با رسول الله صلی الله علیه وسلم

عبدالرحمن الحمیری میگوید: صحبت ابوهریره با رسول الله صلی الله علیه وسلم چهار سال بود [وسند این روایت را امام ذهبی در سیر اعلام النبلاء صحیح دانسته است] ابوهریره رضی الله عنه در این چهار سال محتاج شد وگرسنه شد ، اما در مسجد ملازمت کرد وتعلق گرفت ؛ بخاطر این تعلق اش با مسجد ورسول الله صلی الله علیه وسلم ؛ الله جل جلاله به وعده اش که{ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً} وفا کرده و اورا نور چشم همه مسلمانان نمود که عده ی بخاطر حسد شان با ابوهریره گمراه وکافر شدند ولیکن ابوهریره را الله عزت داد ووی را حافظ ، محدث ، امام وبالاخره ملاقات رسول الله صلی الله علیه وسلم را در مدت چهارسال (شب وروز) نصیبش نمود. [این عزتی بود که الله از حاسدان ابوهریره گفت وبر ابوهریره نصیب نمود]

استادان ابوهریره رضی الله عنه

» ابوهریره استادانی داشت که در روی زمین بهترین مخلوقات بودند بعد از رسول الله صلی الله علیه وسلم ، زیرا به گفته شیخ عبدالله عزام صحابه در روی زمین

ملائکه های روی زمین اند ، پس چطور استادان کسی که ملائکه های روی زمین باشند ما آنرا خرده بگیریم؟؟؟

*امام ذهبی در_سیراعلام النبلاء جـ۳صـ۱۵۱٤_ نقل میکند که ابوهریره رضی الله عنه گرفته است علم زیادی را از رسول الله صلی الله علیه وسلم ، علم پاک ومبارک را ، که درکثرت روایت حدیث هیچ کسی اندازه ابوهریره نبوده است.

واستادان ابوهریره از صحابه ابوبکر ، عمر ، اسامه ، عایشه ، وفضل ، وبصرة بن ابی بصرة وکعب الحبر ؛ اینها استادان گرانقدر ابوهریره رضی الله عنه بودند ، استادان یکه همه ی جهان اسلام بر نام آنها آشناست.

*پس چطور*کسیکه استادش رسول الله صلی الله علیه وسلم ویاران رسول الله صلی الله علیه وسلم باشد ما به آن زبان درازی کنیم؟

صفات ابوهریره رضی الله عنه

عبدالرحمن بن لبینه میگوید: ابوهریره رضی الله عنه را به شکل گندم گون دیدم وبین شانه هایش فاصله زیاد بود وبین دو دندان هایش جدائی بود وصاحب دو گیسو بود. _سیراعلام النبلاء_

» به رب کعبه قسم زمانیکه سیرت تالیف شده امام نووی را در صفات رسول الله صلی الله علیه وسلم مطالعه نمودم ، آن صفات یکه محمد صلی الله علیه وسلم داشت همه آن صفات در ابوهریره موجودبود.

*ابن سیرین*میگوید: ابوهریره خوئی نرمی داشت وریش اش (طبیعتا) سرخ بود.

شاگردان ابوهریره رضی الله عنه

ابوهریره شاگردانی دارد ! وقتیکه میگویم شاگرد رفته سیر اعلام النبلاء را بخوانیم که شاگرادن صحابه چگونه شاگرد بودند.

امام ذهبی میگوید: مخلوق بزرگی از صحابه وتابعین شاگرد ابوهریره رضی الله عنه بوده واز وی حدیث روایت میکردند.

بعضی از علماء میگویند که از ابوهریره رضی الله عنه شاگردانش به ۸۰۰ تن میرسد.

*امام بخاری رحمه الله*میفرماید: شاگردان ابوهریره رضی الله عنه ۸۰۰تن وبالا تر از آن میرسد .ـــسیراعلام النبلاء ج۳ص۵۱٤.

در اینجا بخاطر یکه بحث ما طولانی نشود تنها شاگردان ابوهریره رضی الله عنه را از کتب السته(بخاری ، مسلم ، ابوداود ، ترمذی ، نسائی ، ابن ماجه) ذکر خواهیم نمود.

لست کوتاهی از شاگردان ابوهریره رضی الله عنه

ابن حجر عسقلانی بعضی از شاگردن وی در تقریب ذکر نموده که من آنرا اینجا خلاصه ذکر مینمایم باذن الله:

إبراهيم بن إسماعيل، وإبراهيم بن عبد الله بن حنين، وإبراهيم بن عبد الله بن قارظ الزهري ويقال: عبد الله بن إبراهيم وإسحاق مولى زائدة، وأسود بن هلال، وأغر بن سليك، والاغر أبو مسلم، وأنس بن حكيم، وأنس بن مالك، وأوس بن خالد.

وبسر بن سعيد، وبشير بن نهيك، وبشير بن كعب، وبعجة بن عبد الله الجهني، وبكير بن فيروز وثابت بن عياض، وثابت بن قيس الزرقي، وثور بن عفير وجابر بن عبد الله، وجبر بن عبيدة، وجعفر بن عياض، وجمهان ، الاسلمي، والجلاس. والحارث بن مخلد، وحريث بن قبيصة، والحسن البصري، وحصين ابن اللجلاج ويقال: خالد ويقال: قعقاع وحصين بن مصعب، وحفص بن عاصم بن عمر، وحفص بن عبد الله بن أنس، والحكم بن ميناء، وحكيم بن سعد، وحميد بن عبدالرحمن الزهري، وحميد بن عبد الرحمن، وحميد بن مالك، وحنظلة بن علي، وحيان بن بسطام، والد سليم. وخالد بن عبد الله، وخالد بن غلاق،

وخباب صاحب المقصورة، وخلاس، وخيثمة بن عبدالرحمن. وذهيل بن عوف.وربيعة الجرشي، ورميح الجذامي.وزرارة بن أوفى، وزفر بن صعصعة بخلف وزياد بن ثويب، وزياد ابن رياح، وزياد بن قيس، وزياد الطائي، وزيد بن أسلم مرسل وزيد ابن أبي عتاب.وسالم العمري، وسالم بن أبي الجعد، وسالم أبو الغيث، وسالم مولى النصريين وسحيم الزهري، وسعد بن هشام، وسعيد بن الحارث، وسعيد بن أبي الحسن، وسعيد بن حيان، وسعيد المقبري، وسعيد بن سمعان، وسعيد بن عمرو بن الاشدق، وسعيد بن مرجانة، وسعيد بن المسيب، وسعيد بن أبي هند، وسعيد بن يسار، وسلمان ، الاغر، وسلمة بن الازرق، وسلمة الليثي، وسليمان بن حبيب المحاربي، وسليمان بن سنان، وسليمان بن يسار، وسنان بن أبي سنان وشتير وقيل: سمير بن نهار، وشداد أبو عمار، وشريح بن هانئ، وشفي بن ماتع، وشقيق بن سلمة، وشهر بن حوشب وصالح بن درهم، وصالح بن أبي صالح، وصالح مولى التوأمة، وصعصعة بن مالك، وصهيب العتواري.والضحاك بن شرحبيل، والضحاك بن عبدالرحمن بن عرزم، وضمضم بن جوس ، وطارق بن محاسن ، وطاووس اليماني وعامر بن سعد بن أبي وقاص، وعامر بن سعد البجلي، وعامر الشعبي، وعباد أخو سعيد المقبري، وعباس الجشمي، وعبد الله بن ثعلبة بن صعير، وأبو الوليد عبد الله بن الحارث، وعبد الله بن رافع مولى أم سلمة، وأبو سلمة عبد الله بن رافع الحضرمي، وعبد الله بن رباح الانصاري، وعبد الله بن سعد مولى عائشة، وعبد الله بن أبي سليمان، وعبد الله بن شقيق، وعبد الله بن ضمرة، وابن عباس، وابن ابن عمر عبيد الله وقيل: عبد الله وعبد الله بن عبدالرحمن الدوسي، وعبد الله بن عتبة الهذلي، وعبد الله بن عمرو بن عبدالقاري، وعبد الله بن فروخ، وعبد الله

ابن يامين، وعبد الحميد بن سالم، وعبد الرحمن بن آدم، وعبد الرحمن بن أذينة، وعبد الرحمن بن الحارث بن هشام، وعبد الرحمن بن حجيرة، وعبد الرحمن بن أبي حدرد، وعبد الرحمن بن خالد بن ميسرة، وعبد الرحمن بن سعد مولى الاسود، وعبد الرحمن بن سعد المقعد، وعبد الرحمن بن الصامت، وابن الهضهاض، وعبد الرحمن بن عبد الله بن كعب، وعبد الرحمن بن أبي عمرة، وعبد الرحمن بن غنم، وعبد الرحمن بن أبي كريمة، والد السدي، وعبد الرحمن بن مهران، مولى أبي هريرة، وعبد الرحمن بن أبي نعم البجلي، وعبد الرحمن بن هرمز الاعرج، وعبد الرحمن ابن يعقوب الحرقي، وعبد العزيز بن مروان، وعبد الملك بن أبي بكر بن عبدالرحمن بخلف وعبد الملك بن يسار، وعبيدالله بن أبي رافع النبوي، وعبيدالله بن عبد الله بن عتبة، وعبيدالله بن عبد الله بن موهب، وعبيد بن حنين، وعبيد بن سلمان، وعبيد بن أبي عبيد، وعبيد بن عمير الليثي، وعبيدة بن سفيان، وعثمان بن أبي عبيد، وعبيد بن عمير الليثي، وعبيدة بن سفيان، وعثمان بن أبي سودة، وعثمان بن شماس بخلف وعثمان بن عبد الله بن موهب، وعجلان، والد محمد، وعجلان، مولى المشمعل، وعراك بن مالك، وعروة بن الزبير، وعروة بن تميم، وعطاء بن أبي رباح، وعطاء بن أبي علقمة، وعطاء بن أبي مسلم الخراساني ولم يدركه وعطاء بن مينا، وعطاء بن يزيد، وعطاء بن يسار، وعطاء مولى ابن أبي أحمد، وعطاء مولى أم صبية، وعطاء الزيات إن صح وعكرمة بن خالد وما أظنه لحقه وعكرمة العباسي، وعلقمة بن بجالة، وعلي بن الحسين، وعلي بن رباح، وعلي بن شماخ إن صح وعمار بن أبي عمار مولى بني هاشم، وعمارة وقيل: عمرو ابن أكيمة الليثي، وعمر بن الحكم بن ثوبان، وعمر بن الحكم بن رافع، وعمر بن خلدة قاضي المدينة، وعمرو بن دينار،

وعمرو بن أبي سفيان، وعمرو بن سليم الزرقي، وعمرو بن عاصم بن سفيان بن عبد الله الثقفي، وعمرو بن عمير، وعمرو بن قهيد، وعمرو بن ميمون الاودي، وعمير بن الاسود العنسي، وعمير بن هانئ العنسي، وعنبسة ابن سعيد بن العاص، وعوف بن الحارث، رضيع عائشة، والعلاء بن زياد العدوي، وعيسى بن طلحة.والقاسم بن محمد، وقبيصة بن ذؤيب، وقسامة بن زهير، والقعقاع ابن حكيم ولم يلقه وقيس بن أبي حازم.وكثير بن مرة، وكعب المدني، وكليب بن شهاب، وكميل بن زياد، وكنانة، مولى صفية.ومالك بن أبي عامر الاصبحي، ومجاهد، والمحرر بن أبي هريرة، ومحمد بن إياس بن البكير، ومحمد بن ثابت، ومحمد بن زياد، ومحمد ابن سيرين، ومحمد بن شرحبيل، ومحمد بن أبي عائشة، ومحمد بن عباد بن جعفر، ومحمد بن عبدالرحمن بن ثوبان، ومحمد بن عبد الرحمن بن أبي ذباب، ومحمد بن عمار القرظ، ومحمد بن عمرو بن عطاء بخلف ومحمد بن عمير، ومحمد بن قيس بن مخرمة، ومحمد بن كعب القرظي، ومحمد بن مسلم الزهري ولم يلحقه ومحمد بن المنكدر، ومروان بن الحكم، ومضارب بن حزن، والمطلب بن عبد الله ابن حنطب، والمطوس ويقال: أبو المطوس ومعبد بن عبد الله بن هشام والد زهرة، والمغيرة بن أبي بردة، ومكحول ولم يره والمنذر أبو نضرة العبدي، وموسى بن طلحة، وموسى بن وردان، وموسى بن يسار، وميمون بن مهران، ومينا، مولى عبدالرحمن بن عوف. ونافع بن جبير، ونافع بن عباس، مولى أبي قتادة، ونافع بن أبي نافع، مولى أبي أحمد، ونافع العمري، والنضر بن سفيان، ونعيم المجمر.وهمام بن منبه، وهلال بن أبي هلال، والهيثم بن أبي سنان.وواثلة بن الاسقع، والوليد بن رباح.وواثلة بن الاسقع، والوليد بن رباح.ويحيى بن جعدة، ويزيد بن الاصم، ويحيى بن أبي

صالح، ويحيى ابن النضر الانصاري، ويحيى بن يعمر، ويزيد بن رومان ولم يلحقه ويزيد بن عبد الله بن الشخير، ويزيد بن عبد الله بن قسيط، ويزيد بن عبدالرحمن الاودي والد إدريس ويزيد بن هرمز.ويزيد، مولى المنبعث، ويعلى بن عقبة، ويعلى بن مرة، ويوسف بن ماهك.وأبو إدريس الخولاني، وأبو إسحاق مولى بني هاشم، وأبو أمامة بن سهل، وأبو أيوب المراغي، وأبو بكر بن سليمان بن أبي حثمة ، وأبو بكر بن عبدالرحمن، وأبو تميمة الهجيمي، وأبو ثور الازدي، وأبو جعفر المدني فإن كان الباقر فمرسل وأبو الجوزاء الربعي، وأبو حازم الاشجعي، وأبو الحكم البجلي، وأبو الحكم مولى بني ليث، وأبو حميد فيقال: هو عبدالرحمن بن سعد المقعد وأبو حي المؤذن، وأبو خالد البجلي، والد إسماعيل، وأبو خالد الوالبي، وأبو خالد، مولى آل جعدة، وأبو رافع الصائغ، وأبو الربيع المدني، وأبو رزين الاسدي، وأبو زرعة البجلي، وأبو زيد، وأبو السائب، مولى هشام بن زهرة، وأبو سعد الخير حمصي.ويقال: أبو سعيد وأبو سعيد بن أبي المعلى، وأبو سعيد الازدي ، وأبو سعيد المقبري.وأبو سعيد، مولى ابن عامر، وأبو سفيان مولى ابن أبي أحمد، وأبو سلمة بن عبدالرحمن، وأبو السليل القيسي (١)، وأبو الشعثاء المحاربي، وأبو صالح الاشعري، وأبو صالح الحنفي، وأبو صالح الخوزي، وأبو صالح السمان، وأبو صالح، مولى ضباعة، وأبو الصلت، وأبو الضحاك، وأبو العالية الرياحي، وأبو عبد الله الدوسي، وأبو

عبد الله القراظ، وأبو عبد الله، مولى الجندعيين، وأبو عبد العزيز، وأبو عبدالملك، مولى أم مسكين.

وأبو عبيد، مولى ابن أزهر، وأبو عثمان التبان، وأبو عثمان النهدي، وأبو عثمان الطنبذي، وأبو عثمان آخر، وأبو قلابة الجرمي مرسل وأبو كباش العيشي (٢)، وأبو كثير السحيمي، وأبو المتوكل الناجي، وأبو مدلة، مولى عائشة، وأبو مرة، مولى عقيل، وأبو مريم الانصاري، وأبو مزاحم مدني وأبو مزرد، وأبو المهزم البصري، وأبو ميمونة مدني وأبو هاشم الدوسي، وأبو الوليد، مولى عمرو بن حريث، وأبو يحيي، مولى آل جعدة، وأبو يحيي الاسلمي، هو وأبو يونس مولى أبي هريرة.وابن حسنة الجهني، وابن سيلان، وابن مكرز شامي وابن وثيمة النصري.وكريمة بنت الحسحاس، وأم الدرداء الصغرى.

توجه این ها بعضی از شاگردان سیدنا ابوهریره بود که تقدیم تان نمودم ، حالا میپرسیم از آنانکه گمان بد درحق ابوهریره دارند [در اینقدر شاگردان ابوهریره که بحری بودند ازعلم مانند شما علم کمپیوتری نداشتن بیارید که یک نفر آن بالای ابوهریره اعتراض کرده باشد؟؟؟]

» منتظرجواب هستیم از شما تا قیام قیامت.

چرا ابوهریره حافظه ی قوی داشت؟

[ابوهریره از خود دفاع میکند]

*ابوهریره رضی الله عنه بر اثر همراهی همیشگی با پیامبر صلی الله علیه وسلم از بسیاری گفته ها وکارهای پیامبر صلی الله علیه وسلم اطلاع یافته بود که دیگران آن را نمی دانستند ، زمانیکه ابوهریره مسلمان حافظه ی خوبی نداشت از این رو این مشکل را با پیامبر صلی الله علیه وسلم درمیان گذاشت ، پیامبر صلی الله علیه وسلم به او فرمود: پوشاک (چادر) خود را هموار کن و او جامعه یا چادر خویش را هموار نمود سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم برای او گفت: آنرا جمع کن وبه سینه ات بچسپان ، ابوهریره چنین کرد واز آن به بعد دیگر حدیثی را فراموش نمی کرد .

این داستان را علمای حدیث همانند امام بخاری وامام مسلم نیز روایت کرده اند_البرهان صـ٣٢_

فهمیده شد که از برکت رسول الله صلی الله علیه وسلم ابوهریره دارای حافظه ی قوی شده بود که حافظه ی که وسائل امروزی از آن عاجز است ، ونیز این

حافظه ی قوی از برکت تقوی های ابوهریره ودعای رسول الله صلی الله علیه وسلم درحق ابوهریره بود.ـــخوشا برحالشـــ

ابوهریره بر شما سبقت کرد

أن رجلا جاء إلى زيد بن ثابت، فسأله عن شيء، فقال: عليك بأبي هريرة ; فإنه بينا أنا وهو وفلان في المسجد ندعو، خرج علينا رسول الله صلى الله عليه وسلم ; فجلس، وقال: " عودوا إلى ما كنتم." قال زيد: فدعوت أنا وصاحبي، ورسول الله يؤمن ، ثم دعا أبو هريرة، فقال: اللهم، إني أسألك مثل سألاك، وأسألك علما لا ينسى.فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: " آمين." فقلنا: ونحن نسأل الله علما لا ينسى.فقال: " سبقكما بها الدوسي ".ـــسيرج٣ص٥٢٢ـــ

یعنی: شخصی پیش زید بن ثابت آمد درمورد مسئله ی سوال نمود! زیدبن ثابت برای سوالگر فرمود:لازم بگیر برای خود ابوهریره را ، زیرا یک زمانی من وابوهریره وفلانی درمسجد عبادت ودعا میکردیم ؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم بالای ما وارد شد وفرمود: ونشست وفرمود: بازگشت کنید به آنچه که بودید ، زیدبن ثابت فرمود دعا نمودم من وهمراهانم ؛ ورسول الله صلی الله علیه وسلم آمین میگفت: بعداً ابوهریره دعا نمود وفرمود: یا الله من سوال مینمایم ازتو مثل آنچه

دو دوستم از تو سوال نمود وسوال مینمایم از توعلمی را که فراموشم نشود ؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:" آمین " پس آن دونفر(زیدبن ثابت و همراهش گفتند) ماهم سوال میکنیم از الله جل جلاله که علمی را دهد که فراموش ما نشود! رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: مرد دوسی(ابوهریره) در این مسئله برشما سبقت کرد.

» پیامبر صلی الله علیه وسلم برای درمورد ابوهریره گفت: او سبقت کرد ، ولیکن عده ی از ناآگاهان زبان کثیف خویش را بر کسیکه در همه امور(علم ، دعا ، تقوی ، جنت و...) سبقت کرده است دراز مینمایند [برای شان میگویم! ابوهریره برشما سبقت کرده است ناحق دهن تان را از این بیش کثیف نسازید ، ابوهریره سبقتش شما را به حسد اورده است]

ابوهریره درهمه موارد با رسول الله صلی الله علیه وسلم

ابوهریره قبلا هم گفتیم تمام مشکلات را قبول کرد تا اینکه همیشگی کند با رهبر مسلمانان وتا از او علم بیاموزد.

خود ابوهريره ميگويد:قدمت المدينة – ورسول الله صلى الله عليه وسلم بخيبر، وأنا يومئذ قد زدت على الثلاثين سنة سنوات ; وأقمت معه حتى توفي، أدور معه في بيوت نسائه، وأخدمه، وأغزو وأحج معه، وأصلي خلفه ; فكنت – والله أعلم الناس بحديثه_سير اعلام النبلاء ج٣ص٥٢٣.

يعنى: وارد مدينه شدم ورسول الله صلى الله عليه وسلم به خيبر تشريف داشت ومن در آن روز سن ام از سى سال بالا بود وهمراه رسول الله صلى الله عليه وسلم اقامت نمودم تا وفات نمود ، همرايش در خانه هاى زنانش مى آمدم ، وخدمت رسول الله صلى الله عليه وسلم را ميكردم وهمراى رسول الله صلى الله عليه وسلم به جهاد ميرفتم وهمراى رسول الله صلى الله عليه وسلم حج كردم ويشت سر رسول الله صلى الله عليه وسلم نماز خواندم ، وبودم عالم ترين حديث رسول الله صلى الله عليه وسلم .

*شماقضاوت كنيد*كسيكه هميشه همراى رسول الله صلى الله عليه وسلم بوده حتى در خانه اش او را ميبرد درجهاد همرايش بود ، همرايش در حج ؛ پس ميشود ابوهريره مقامش را پايين آورد _كلاوحاشا_

اگر یک متل را شنیده باشید میگویند(ما دوزد شدیم روز شد ، یااینکه ما دوزد شدیم مهتابی شد) شما که حد اقل پشت یکی تهمت میبستید که حد اقل نص شرعی نمیبود در مورد وی یا اینکه یک عالم هم طرف دار میداشتید ، اگر پشت خوارج وروافض این قدر تهمت بسته میکردید شاید طرف دار میداشتید اما روی تان را سیاه کردید پشت صحابیکه هر مسلمان بخاطر دفاع از آن خون خویش را میریزاند تهمت بسته وعیب میگیرید[بی حیاء باش هرچی خواهی کن]

از عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت است که فرمودند ای ابوهریره! شما بودید ملازمت میکردید نسبت به ما به رسول الله صلی الله علیه وسلم وبوده ائید عالم ترین ما به حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم .ـسیرج۳ص۵۲٤ـ

» ببینید که سیدنا ابن عمر چقدر کلمات زیبائی استفاده میکند بر ابوهریره ، چونکه اوحق بوده ودفاع از حق را میکند ، ولیکن پشت شهرت نبوده که ابوهریره را رد نماید نه مثل (کهنه فکران امروزی) وی را تهمت بنند. [بیایید صحابه گونه باشیم ، حق وحقوق خویش را مراعت کرده واز تهمت ها خود داری کنیم تا امن روحی ونظامی داشته باشیم]

*شیخ عبدالله بن عبدالعزیز الناصر*میگوید: ابوهریره در سال هفتم هجری در فاصله خیبر وحدیبیه درسی سالگی مسلمان شد ، او سپس همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم از خیبر به مدینه ودر صفه اقامت گزید او هموراه با پیامبر صلی الله علیه وسلم بود وهرکجا رسول الله صلی الله علیه وسلم میرفت ابوهریره هم همراه او به آنجا می رفت ، و اغلب غذا را با پیامبر صلی الله علیه وسلم صرف میکرد. _السنه ومکانتها فی التشریع الاسلامی_

خدمت ابوهریره رضی الله عنه به مسلمانان

ازنافع روایت است که فرمود: من همرای عبدالله بن عمر رضی الله عنهما در جنازه ابوهریره اشتراک بودم ، بعد از دفن ابوهریره ، عبدالله بن عمر بالایش خیلی دعا کرد و میگفت: ابوهریره بود از کسانیکه احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم را بالای مسلمین حفظ کرده بود._سیر اعلام النبلاءج٣ص٥٢٣_.

*قابل یاد آوری است که [غیر جهان اسلام از احادیث یکه ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده خیلی استفاده کرده اند خصوصا روایات یکه در سنن الترمذی در کتاب الطب وجود دارد ، طبیبان غربی در خفی مدیون ابوهریره هستند زیرا

بواسطه روایات ابوهریره آنها طبابتی را کشف کردند که غربیان از آن عاجز بودند واین غربیان بعد از مطالعه کتاب معجم المفهرس حقیقت ابوهریره را درک کردند ولیکن با دشمنی که با اسلام عزیز دارند آنرا ظاهر نمیکنند واینک که بعضی چوچه های غربی بر ابوهریره زبان درازی میکنند]

*خدمات ابوهریره به جهان اسلام قابل قدر بوده وتمام مسلمانان مدیون خدمات ابوهریره هستند واقعاً روزی نیست که مسلمانان در تدریس خویش چند بار از ابوهریره نام گرفته وبرای آن میگویند رضی الله عنه.

ابوهریره رضی الله عنه از مفتیان صحابه وباقی امت مسلمه

ابن عباس رضی الله عنه فرمود: ابن عمر ، ابوسعید ، ابوهریره ، جابر وامثال اینان ؛ فتوی میدادند در مدینه منوره وروایت حدیث میکردند از رسول الله صلی الله علیه وسلم از زمانیکه وفات نمود عثمان تاوفات خود ایشان_سیرالاعلام_

ابن زیاد میگوید: نسبت فتوای (دربین مسلمانان) به پنج نفر میشد (که قبلا گذشت ویکی از مفتیان سیدنا ابوهریره رضی الله عنه بود).

مفسر جهان اسلام وکسیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم در حقش دعا نمود والله دعایش را قبول نمود (ابن عباس) برای ابوهریره رضی الله عنه گفت: «افت یا اباهریره» _سیر اعلام النبلاء ج۳ص۵۲۳_

یعنی: ای ابوهریره! فتوا بده.

ابن حزم رحمه الله در کتاب "احکام فی اصول الاحکام" میفرماید: مردمان متوسط وبه احتیاط که از آنها روایت شده دربخش فتوای[عثمان ، ابوهریره ، عبدالله بن عمر ، عمروبن العاص ، ام سلیم ، انس ، ابوسعید ، ابوموسی ، عبدالله بن زبیر ، سعد بن ابی وقاص ، سلمان ، جابر ، معاذ ،ابوبکر] که تعداد آنها به سیزده تن رسیده است.

*تقوی ابوهریره رضی الله عنه *

یاران رسول الله صلی الله علیه وسلم در مجموع تقوی داشته وبخاطر تقوی ایشان کتابهای نوشته شده است ، اما ابوهریره رضی الله عنه در بین اصحاب پیامبر درتقوی پیشتاز بوده است که امام ذهبی در مورد وی در کتابش سیراعلام النبلاء خیلی روایات صحیحه را جمع آوری نموده است.

ـمشت نمونه خروارـ

ابوعثمان نهدی میگوید: مهمان کردم ابوهریره رضی الله عنه را در هفته ی ، وابوهریره همراه فامیل وخادم اش در خانه من بود ، واینها (ابوهریره وفامیل وخادمش) تقسیم میکردند شب را به سه حصه ، اول نماز میخواند ابوهریره باز بیدار میکرد بقیه همراهانش را .

ونیز *ابوعثمان النهدی * برای ابوهریره گفت: چه شکلی روزه میگیری؟ فرمود: روزه میگیرم از اول هرماه سه روز انرا.

ازشرحبیل روایت است که ابوهریره بود روز دوشنبه وپنج شنبه را همیشه روزه میگرفتـسیر اعلام النبلاءج٣ص٥٢٦ـ

عکرمه میگوید: ابوهریره رضی الله عنه در هر روز دوازده هزار بار تسبیح می گفت ومیفرمود: تسبیح میگویم به اندازه خون بهائی خودـمنبع سابقـ

محبت ابوهریره با رسول الله صلی الله علیه وسلم

*عبدالوهاب المدنی*میگوید که خبر رسیده است برای من اینکه ، شخصی داخل شد بالای معاویه وفرمود: به مدینه سفر کردم ، ناگهان ابوهریره را در

مسجد دیدم که ابوهریره میگفت: حدیث گفت برایم دوستم (ابوالقاسم صلی الله علیه وسلم) بعد از گفتن نام محمد صلی الله علیه وسلم بالایش تغیر آمد وگریه کرد ، وتکرار این جمله را گفت که (که ابوالقاسم برایم حدیث گفت) باز تغیر آمد بالایش وگریه کرد ، ودیگر توان حدیث گفتن را نداشت از مجلس بیرون رفت.ـ سیر اعلام النبلاء ج۳ص۵۳۰ـ

صحیح مسلم حدیثی را روایت میکند که « ابوهریره رضی الله عنه فرموده: در بین ما صحابه رسول الله صلی علیه وسلم تشریف داشت ، از مجلس بلند شد وبه باغی رفت زود درمجلس حاضر نشد ، ما صحابه تشویش کردیم که مورد حمله دشمن قرار نگرفته باشد ، اول کسیکه زیاد ترسید من بودم درجستجوی رسول الله صلی الله علیه وسلم شدم ، تا درداخل باغ شدم با بسیار فشار ، رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت : اباهریره! برایش گفتم ترسیدیم از حمله دشمن در مقابل شما ؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: این دو نعلی یا بوت های من را گرفته هرکس با شما ملاقات نمود وبه کلمه شهادتین اقرار کرد اورا به جنت بشارت بده_تاآخرحدیث_ »

آمین گفتن رسول الله صلی الله علیه وسلم به دعای ابوهریره

امام نسائی درسنن خویش حدیثی را روایت میکند که و:أن أبا هريرة، دعا لنفسه: اللهم، إني أسألك علما لا ينسى فقال النبي صلى الله عليه وسلم: " آمين".

یعنی اینکه: ابوهریره در نفس خود دعا نمود به این عنوان که یا الله من سوال میکنم ازتو علمی را که فراموش نشود ؛ رسول صلی الله علیه وسلم برای آن "آمین" گفت.

ابوهریره خارچشم مستشرقین ورافضه ومبتدعین

مستشرقین میگویند: ابوهریره احادیث زیادی را از خود (ساخته) است.

*رافضه *میگوید: ابوهریره مرتد بوده است.

*اهل بدعت*میگوید: ابوهریره غیر فقهی بوده است.

* درجواب میگویم این هم نشانه ی حق بودن ابوهریره است ، *امام شافعی* رحمه الله میگوید: اگر بخواهی حق را بشناسی تیرهای دشمن را ببین که طرف چه

کسی پرتاب میشود! [دیده میشود مستشرقین ، که علناً دشمن اسلام بوده وروافض که همیشه چهره اسلام را لکه دار ساختند وهمیشه اسلام ومسلمانان را خرده میگیرند وهدف از تاسیس مذهب رافضه نیز (به زعم باطل ایشان) بربادی اسلام است ، واهل بدعت که ضرراش کم از مستشرقین نبوده ، اینها دشمنی شان را به ابوهریره اعلان کردند]

ولیکن در طرف دیگر اهل تحقیق که الله آنها را به راه راست هدایت نموده (همه حفاظ حدیث وگرد آوردندگان مسانید وصحاح وسنن ومعاجم ومصنفات احادیث اورا ذکر کرده اند ، وهیچ کتابی ازکتابهای معتبر حدیث نیست مگر آن که در آن احادیثی ازاین صحابی بزرگوار ابوهریره رضی الله عنه ذکر شده است.

ودر همه زمینه های فقه ازقبیل اعتقادات وعبادات ومعاملات وجهاد و مناقب وتفسیر وطلاق ونکاح وادب ودعوات ورقایق وذکر وتسبیح و.... وغیره از او حدیث روایت شده است (اینست که خارچشم حسودان است)

میگویند زمستان میرود وروی سیاهی به زغال میماند ، ابوهریره دارد روایات احادیث اش در دنیا پخش ونشر میشود اما عده ی صرف ارتداد برای شان باقی میماند.

اینجاست که *چنین تعصب انسان را کافرمیسازد*

چه ضرورت داریم که عیب ابوهریره را بگیریم؟

» اگر قرآن را بگویم اشتباه است که از ابوهریره دفاع کرده [العیاذبالله]ووی را جنتی خطاب کرده ، اگر اقوال صحیح وصریح رسول الله صلی الله علیه وسلم را انکار بورزیم (مانندانیکه شب را روز بگویم وروز راشب) واقوال ائمه علماء جرح وتعدیل را وزبان خود را علیه ابوهریره دراز نماییم واز او عیب بجوئیم پس فایده عیب جستن ما چیست؟ [اگرچه ابوهریره عیبی ندارد واگر عیبی هم داشته باشد انسان است وجائز الخطاست زیرا صحابه معصوم نیستند بلکه محفوظ هستند]

اینجا بعضی از اقوال علماء را ذکر میکنم [اگرچه کسانیکه سخن الله ورسول الله صلی الله علیه وسلم را نپذیرد قول اشخاص برایش نیز فایده ی ندارد ولیکن ان شاء الله بازهم میشود که هدایت شوند —والله اعلم-]

 علامه ابن قیم رحمه الله میفرماید: طعنه زدن به برادر مسلمانت به خاطر گناهی که مرتکب شده ، ازمعصیت و گناهی که وی انجام داده ، بزرگتراست. مدارج السالکین جـ١صـ١٧٧.

 امام شافعی رحمه الله میفرماید: گفتار را نقد کن ، ولی به گوینده احترام بگذار ، وظیفه ما از بین بردن بیماری ها است نه بیماران.

 امام ابن قیم رحمه الله میفرماید: مومن از لغزش واشتباه برادرش به درد می آید ، گویا خود او دچار لغزش شده و از اشتباه او شاد نمیشود.مدارج السالکین ج١ص٤٣٦.

 فضیل بن عیاض رحمه الله میفرماید: مومن خطای مردم را میپوشاند ونصیحت میکند ، اما انسان فاجر خطای مردم را افشاء میکند وسرزنش میکند.

 علامه ابن القیم رحمه الله میفرماید: از دلایل نرمی قلب مومن آن است که برای لغزش برادر مومنش درد مند میشود به گونه ای که انگار خودش دچار لغزش شده وبخاطر آن لغزش شماتت نمیکند.مدارج ص٤٣٦ج١.

 ابوقلابه رحمه الله میفرماید: اگر درباره برادرت چیزی بدی به تورسید تا میتوانی برایش عذری بیاور،واگرنتوانستی بگو:شایدعذری دارد که هنوزعلم من به آن نرسیده.الزهد١/٥٧٩

 علامه ابن عثیمین رحمه الله میفرماید: بدان اگر عیب های برادرت را انتشار وپخش کردی ، الله متعال در(مقابل)کسی رابالای تومسلط خواهدکردکه عیوب تورا پخش ونشرکند[جزای سزاواریست]

 امام ابن العربی میفرماید: مردم امروزی طوری شده اند که در یک مسلمان عیب وی را جستجو میکنند ؛ اگر عیب وی را نیافتند دروغ بالای وی بسته میکنند

*تعجب اینجاست*کسیکه نه مهاجری است وانصاری ! بلکه به منفعت یهودونصاری کار میکنند وکسیکه نه مهاجری بوده ونه انصاری به صحابی توهین کند یا از اوخرده بگیرد باید حاکم مسلمانان وی را در ملأعالم اعدام کند واگر مسلمانان حاکم نداشته باشند عالم مسلمان وی را در بین مسلمانان اعدام کند واگر عالم مسلمان هم شک کشیده بود باید فردی که لزت ایمان را چشیده باشد باید مخفی وی را مردار کند تا در قیامت همرای رسول الله صلی الله علیه وسلم ویارانش حشر گردد وقتل کسیکه بر صحابه توهین کند یاعیب از او بگیرد واجب بوده ودرحقیقت قتل آنها برابر ده امریکائی ملحد میباشد وقتل

عیب گیرنده یاران رسول الله صلی الله علیه وسلم فتح وگشایشی در اسلام است.

ابوهریره خاطر ما خود را گرسنه ساخت ، اما ما چه کردیم درحق وی!

[نادان اگر عاقل شود ؛ گردن زند استاد را]

ابن سیرین روایت میکند: که ابوهریره رضی الله عنه فرمود: بین قبر وبین گنبد از شدت گرسنه گی بی هوش می شدم حتی که مردم میگفتند ابوهریره دیوانه شده است.[لقد رأيتني أصرع بين القبر والمنبر من الجوع، حتى يقولوا: مجنون] ــ سیراعلام النبلاءج٣ص٥٢٠ــ.

* ببینید که ابوهریره رضی الله عنه چقدر مشقت را کشید تا اینکه حدیث را فرا گیرد وبه شاگردانش بیاموزاند تا سلسلتاً به من وتو رسید که تا اینجا رسیدیم و لیکن | نادان اگر عاقل شود گردن زند استاد را |

بعضی از روایات صحیح را درمورد مشقت ابوهریره رضی الله عنه را در سیراعلام النبلاء مطالعه فرمایید.

ابوهریره نشانه ی از معجزه رسول الله صلی الله علیه وسلم بود

امام ذهبی میگوید: که حفظ ابوهریره یک امر خلاف عادت از معجزات رسول الله صلی الله علیه وسلم بود[وکان حفظ أبي هريرة الخارق من معجزات النبوة.] _سیراعلام النبلاء ج٣ص٥٢٠_

»یعنی اینکه حفظ ، وقوة فکری وحافظه ی ابوهریره چنان قوی بود که همانندی ندارد ، از این جهت در زمانیکه ، کمپیوتر ، وسائل عصری موجود نبود به تنهائی خود احادیث زیادی را حفظ نموده بود که اگر کسی اورا از حدیثی میپرسید نقطه ی از وی اشتباه سر نمیزد که این خود یک نوع مهارتی است که جزء ابوهریره دیگر فردی از امت محمد رسول لله صلی الله علیه وسلم آنرا نداشت وندارد ونخواهد داشت«چشم حسودان ابوهریره کور باد»

* وفات ابوهریره رضی الله عنه*

*ابوهریره رضی الله عنه در سال [٥٨هـ] در گذشت ودرهمین سال ام المومنین عایشه نیز چشم از جهان فروبست.

وقتی زمان مرگ ابوهریره رضی الله عنه فرا رسید گفت: بر جسد من خیمه بر نیافراشید وبه دنبال جنازه ام آتش روشن نکنید وخیلی زود مرا به سوی قبر ببرید ، چون از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیده ام که میگفت: هرگاه مرد صالح_یامومن_ را روی تابوت بگذارند میگوید: مرا به سوی قبر ببریدوهرگاه مرد کافر یا فاسق را روی تابوت بگذارند میگوید: وای بر من مرا کجا می برید؟

- ان شاء الله همه ی مسلمانان از خدمات ابوهریره سپاس گذار هستند ، وخدمات وی را فراموش نمیکنند وخدمات ومحبت ابوهریره در دل مسلمانان اندازه ی است که نام فرزندان خویش را به "ابوهریره" مسمی میکنند.
- وبنده نیز ان شاء الله اگر ازدواج کنم والله برایم پسر دهد نامش را ابوهریره میگذارم تا نقش قدم ابوهریره را دنبال کند.

خلاصه ی بحث

- ابوهريره رضی الله عنه را ؛ الله جل جلاله ورسول الله صلی الله علیه وسلم وتماماً مسلمانان تأیید کرده واز او به خوبی یاد کرده اند.
- ابوهريره رضی الله عنه ؛ صحابی بزرگواریکه در همه حالات با رسول الله صلی الله علیه وسلم حظور داشت.
- ابوهريره رضی الله عنه ؛ رئیس عده ی از اصحاب بنام(اصحاب صفه) نیز بود.
- ابوهريره رضی الله عنه ؛ مفتی صحابه بود.
- ابوهريره رضی الله عنه ؛ را تمام علماء الرجال توثیق کرده وگفته اند اگر ابوهريره عادل نباشد در امت محمد دیگر کسی را بنام عادل سراغ نداریم.
- همه تهمت ها بالای ابوهريره رضی الله عنه خاطر کینه وحسد است.
- ابوهريره رضی الله عنه ؛ را توهین ودشنام ، وخرده وعیب گیری نمیکنند مگر کسی که ایمان اش دچار نقض شده باشد.
- توهین ، عیب گیری ، خرده گیری ، زبان درازی و... به ابوهريره رضی الله عنه ؛ سزای آن قتل است.

- ابوهریره رضی الله عنه ؛ حافظ هزارها حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم بود.
- ابوهریره رضی الله عنه ؛ کسی بود که حتی در جنگ های اجتهادی صحابه هم اشتراک نداشت.
- تمام صفات جسمی واخلاقی ابوهریره رضی الله عنه مثل رسول الله صلی الله علیه وسلم بود.

ومن الله التوفیق

ختم رساله | شب سه شنبه ١٣٩٧

[كتب تأليف وترجمه شده توسط ابوشاكرمسلم حفظه اللّه]

فتاوای اهل حدیث ۱-۲ جلد.

رد برصدبدعت درجامعه.

اقوال اهل علم درکفر روافض.

زندگی نامه امام ابن تیمیه وخدمات او به اسلام.

۵۰ احادیث باطل.

احادیث باطل مشکوة المصابیح.

ابوحنیفه رح واحناف.

۸ رکعت تروایح.

دلائل برکفرمولانای روم(مثنوی معنوی).

احکام ومسائل اعتکاف.

احکام ومسائل عیدین.

۱۳ سوال از صوفی ها.

حکم مسح بر جراب.

وهابیت وحنفیت.

زندگی نامه امام محمدبن عبدالوهاب وخدمات او به اسلام

۴۰۰ سوال وجواب درعلم حدیث.

امریکا قاتل بشریت.

الله درکجاست؟.

احکام وآداب عاشورا.

اهل الحدیث هم اهل النبی.

امور خلاف شریعت.

توسل مشروع ونامشروع.

حقوق زن در اسلام.

دفاع از سیدقطب.

دفاع از ابوهریره.

سیرة النبی برای جوانان.

حکم مسح برگردن.

نماز رسول الله صلی الله علیه وسلم.

اجماع علمای محمدی برکفر ابن عربی

حکم تجلیل از میلاد النبی

حکم خروج باجماعت تبلیغ

داستان توبه شیخ خالدراشد

چگونه مبارزه بامسیحیت درکشورهای اسلام

معرفی کتب ضعیف واسرائیلی

۴۰ سوال از مقلدین

شروط الصلاة

معرفی تفاسیرضعیف واسرائیلی

شناخت فرقه های گمراه